

رقابت پذیری محصولات کشاورزی ایران در بازار جهانی: مطالعه موردی پسته*

احمد یزدان پناه

(دکترای اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء)

سمانه جعفری طاهری

(فوق لیسانس اقتصاد)

و از آن به عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار ذکر می‌شود. در یک اقتصاد جهانی شده، رقابت پذیر بودن به معنای امکان به دست آوردن موقعیت پایدار در بازارهای بین‌المللی است. تعاریف گوناگونی از رقابت پذیری مطرح شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

«مجمع اقتصاد جهانی»، رقابت پذیری را توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد و یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) می‌داند. از نظر «سازمان همکاری‌های اقتصاد و توسعه» (OECD)، رقابت پذیری یعنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی همراه حفظ و یا ارتقای سطح درآمد شهروندان در درازمدت. از دیدگاه «انکتاد»، واضح‌ترین نگرش به رقابت پذیری از مسیر مقایسه عملکرد اقتصاد کلان و استاندارد زندگی جامعه براساس بهره‌وری عوامل تولید به دست می‌آید. مفهوم دقیق رقابت پذیری همان توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی است.

در تمامی تعاریف فوق دستیابی به جایگاه مناسب در بازارهای بین‌المللی برای محصولات تولیدی کشور، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به اعتقاد بسیاری از اقتصاد دانان، تغییرات نرخ ارز و دستمزدهای واقعی بر سطح رقابت پذیری کالاها و خدمات موثر است. به طوری که با کاهش ارزش پول و همچنین دستمزدهای واقعی در کشور سطح رقابت پذیری محصولات تولیدی افزایش پیدا می‌کند؛ همینطور با کاهش هزینه‌ها سطح رقابت پذیری محصولات تولیدی نیز بهبود می‌یابد. کاهش هزینه‌های تولیدی معمولاً از دو طریق افزایش سطح بهره‌وری و استفاده از منابع ارزان موجود در کشور محقق می‌شود.

رابطه مزیت نسبی و رقابت پذیری محصولات کشاورزی

نفوذ در بازارهای جهانی و حفظ بازارهای فعلی محصولات کشاورزی در دنیای پیچیده امروز نیازمند شناخت کافی از عوامل موثر بر مزیت تولیدی و تجاری کالاها و مهمتر از همه رابطه آن‌ها برای داشتن یک دید نظام‌مند و هدف دار برای حل مشکلات است. عوامل متعددی بر

این مقاله، در ابتدا رقابت پذیری را معرفی می‌کند و برای روشن شدن رابطه مزیت نسبی و رقابت پذیری، مزیت نسبی محصول پسته ایران را برای سال ۱۳۷۸ محاسبه می‌کند. هدف این است که مشخص شود آیا پسته ایران قدرت رقابتی با پسته مشابه خارجی دارد یا نه؟ در آخر این بخش مروری خواهیم داشت بر برخی از مشکلات تولید و صادرات پسته. در ادامه رقابت پذیری محصولات کشاورزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و عوامل موثر بر آن ذکر شده است. در بخش پایانی مقاله مزیت رقابتی ایران مورد بررسی قرار گرفته و به عوامل مهمی که باید در ایجاد رقابت پذیری در کشور به خصوص در بخش کشاورزی مورد توجه قرار گیرد اشاره شده است.

مقدمه

ایجاد فضای رقابتی در جامعه و ارتقای سطح رقابت پذیری ملی، زمینه‌های لازم جهت ورود به فرآیند جهانی شدن را فراهم می‌کنند. رقابت پذیری بنگاه، بخش و یا اقتصاد ملی کیفیتی است که از طریق حاکمیت بازار و شکل‌گیری فعالیت‌ها بر پایه مزیت نسبی و رقابتی محقق می‌شود. هر قدر رقابت پذیری کشوری در سطح جهان بالاتر باشد، آن کشور از ادغام در اقتصاد جهانی از طریق دسترسی سهل‌تر به بازارهای خارجی بیشتر منتفع خواهد شد. برعکس، کشوری که از قدرت رقابت پذیری پایین‌تری برخوردار باشد نه تنها از ادغام در اقتصاد جهانی منتفع نمی‌شود بلکه متضرر نیز می‌شود. با توجه به اینکه فرآیند ادغام اقتصادی کشورها با جامعه جهانی (یعنی گسترش ارتباط متقابل با بازارهای جهانی) از چند دهه گذشته آغاز شده و در این مسیر حضور کشورهای در حال توسعه نیز چشمگیر بوده است، دور ماندن کشورمان از این جریان می‌تواند عواقب نگران کننده‌ای در مقایسه با پیامدهای ورود به این جریان داشته باشد.

تعریف رقابت پذیری

در حال حاضر رقابت پذیری یک موضوع محوری در سطح دنیا شده



این مهم شناخت بازارها و عوامل موثر بر رقابت پذیری محصولات کشاورزی و بالا بردن قدرت چانه زنی کشور (مثلاً با تامین تعادل در تراز پرداختها) در سطح بین المللی است.

یک رقابت کننده موفق در اقتصاد داخلی و یادر بخش کشاورزی کسی است که هزینه تولید پایینی دارد و از سرمایه گذاری های خود بازده خوبی به دست می آورد. با این حال هر دوی این معیارها، یعنی هزینه و بازدهی، امری مطلق نبوده بلکه نسبی است.

با توجه به مساله زمان، رقابت پذیری امری ایستا نیست؛ تغییر در بسیاری از عوامل و منابع تولیدی منجر به بروز تغییرات در سطوح رقابت پذیری نسبی می شوند.

بروز تغییرات در رقابت پذیری برای یک کشاورز می تواند به خاطر عوامل زیر باشد:

۱. تغییر در قیمت نهاده های خریداری شده؛

۲. تغییر در کارایی فنی تولید سایر کالاها که به عنوان گزینه های دیگر پیش روی تولید است؛

۳. تغییر در قیمت کالای مورد بررسی و یا در قیمت سایر کالاها که با محصول تولیدی کشاورزی مرتبط است.

وقتی کل کشورها را در نظر می گیریم، عناصر اصلی رقابت پذیری کشاورزی عبارت اند از:

۱. کارایی و هزینه های نسبی؛

۲. نرخ های ارز؛

۳. سیاست ها.

از عوامل موثر بر هزینه های نسبی تولید، دو عامل وفور منابع طبیعی و مقیاس عملیاتی مزرعه از مهمترین عوامل هستند. بنابراین، مناطقی که دارای آب و هوای مطلوب، منابع فراوان و تعداد محدودی گزینه برای تولید محصولات سودمند هستند، در هزینه های تولید نسبت به سایر مناطق مزیت نسبی بیشتری دارند.

البته رقابت پذیری یک کشور بر مبنای هزینه های تولید می تواند گمراه کننده باشد. بنابراین، معیار دیگری از کارایی وجود دارد که می تواند

رقابت پذیری کالاهای کشاورزی تاثیر دارند که در یک تقسیم بندی کلی عبارت اند از:

۱. عوامل اقتصادی و سیاسی

۲. عوامل جغرافیایی

۳. عوامل تاریخی

هر فرد یا بنگاه فعال در صحنه تولید و تجارت با بکارگیری عوامل تولید یعنی زمین، کار و سرمایه به عنوان نهاده های کلاسیک تولید و با استفاده از مدیریت و دانش به عنوان عوامل مدرن تولید، دست به تولید کالایی می زند که با استفاده از منابع مذکور، بازدهی خوبی برای او داشته باشد. عقلانیت اقتصادی حکم می کند که موفقیت یک تولید کننده محصولات کشاورزی یا زارع در تلاش برای بالا بردن بازدهی، یعنی محصول بیشتر بدون افزایش نهاده ها (کارایی فنی) - را کاهش هزینه های تولید (یعنی کارایی اقتصادی) بدانیم.

منابع در دسترس، هزینه ها و برگشت سرمایه، سه مقوله ای هستند که اقتصاد دانان تحت عنوان مولفه های رقابت نسبی از آن یاد می کنند که شکل دهنده کارایی نسبی تولیدی و تجاری یک کشور به حساب می آیند. وقتی میدان رقابت پیچیده تر و وسیع تر می شود و به سطح بین المللی ارتقاء می یابد دو عامل دیگر نیز به آن ها افزوده می شود: یکی شرایط و وضعیت اقتصاد کلان کشور است (با متغیرهایی چون ارز) و دیگری کم و کیف سیاست گذاری هاست.

نکته کلیدی در مورد مفهوم و نقش حساس مزیت ها آن است که دیدگاه اقتصاد امروز و اقتصاد دیروز درباره مزیت ها کاملاً متفاوت است. مثلاً امروزه اعمال سیاست های پولی درست و تبیین درست نرخ ارز و یا تدوین سیاست های عالمانه و اعمال درست آن ها در بخش های کشاورزی، صنعت و تجارت، سرمایه گذاری ها را به سمت و سویی سوق می دهد که کاربرد مزیت نسبی به مفهوم گذشته آن دیگر نمی تواند جوابگو باشد؛ لذا باید به خلق مزیت های تازه ای که قدرت رقابتی کشور را شکل می دهد و توان اقتصاد ملی را در سطح جهانی برای تسخیر بازارهای تازه کشاورزی و حفظ بازارهای سودمند گذشته بالا می برد اقدام کرد. لازمه

در مورد رقابت پذیری راهنمای خوبی باشد آن معیار بهره وری است. بهره وری به میزان محصول اطلاق می شود که از بکارگیری مقدار معینی از نهاده مثل زمین و نیروی کار بدست آید. یک راه برای تولید کنندگان جهت کاستن هزینه ها و لذا بهره مندی بیشتر از قدرت رقابتی بالاتر، آن است که محصول خود را به ازای یک واحد از مجموع نهاده های بکار گرفته شده، افزایش دهند. طبق تعریف مزیت نسبی: «تخصص در تولید و الگوهای تجارت است، که بر مبنای اصل کارایی نسبی در استفاده از منابع، در جهانی خالی از اختلالات بازار، ایجاد می شود».

یکی از منابع اختلالات در بازار ناشی از شکست بازار است. شکست در تعیین قیمتی برای نهاده ها و ستانده های فرآیند تولید، که آن قیمت ها دقیقاً ارزش آن نهاده ها و محصولات را برای جامعه منعکس می کند. انواع گوناگونی از بازارهای ناقص و بازارهای دارای اختلال وجود دارد. به طور مثال، دو عامل قدرت انحصاری و مداخله دولت از عوامل مهم اختلال زائی هستند.

اگر سیاست های دولت وظایف بازار را دچار اختلال نکند، مزیت نسبی را می توان معیار و مبنایی مستحکم برای تعیین قدرت رقابت پذیری یک کشور به حساب آورد.

سیاست های پولی و مالی یک کشور میزان بهره و سپس نرخ ارز را تحت تاثیر قرار می دهند و از آن طریق بر رقابت پذیری کلی کشاورزان تاثیر می گذارند.

دولت ها همواره با هزینه کردن به صورت یارانه های صادراتی یا سایر برنامه حمایتی، رقابت پذیری را خریداری می کنند. نادیده گرفتن اصل اساسی مزیت ها و یا عدم مزیت های نسبی مشکلات زیادی، همچون مازاد بهره وری، پایین نگه داشتن سطح قیمت های جهانی و هزینه های بالای دولتی را به دنبال دارد.

هیچگونه روش ساده و سریعی جهت برآورد و تخمین رقابت پذیری کشاورزی وجود ندارد، با این حال یک روش سودمند، استفاده از سهم بازار طی زمان است.

نوسانات سهم بازار به ما می گوید که وضع رقابتی ما در مقابل دیگر صادر کنندگان یک کالا چگونه است. وضع رقابتی یک کشور در بازار جهانی بر سطح تجارت و به نوبه خود بر قدرت بخشیدن به قیمت های محصولات کشاورزی و درآمدهای کشاورزان تاثیراتی دارد. همچنین، عوامل تبیین کننده رقابت پذیری بر سوددهی و درآمد در سطح مزرعه تاثیر گذار است.

با توجه به مطالب مذکور و روش شدن رابطه مزیت نسبی و رقابت پذیری، در ادامه به بررسی مزیت نسبی پسته، به عنوان یکی از محصولات کشاورزی، می پردازیم. با توجه به اینکه پسته یکی از اقلام مهم صادرات غیر نفتی و کشاورزی ایران به شمار می آید دو سوال مطرح می شود: آیا کشور در تولید و صادرات پسته دارای مزیت است؟ آیا این محصول توان رقابت با محصول مشابه خارجی را دارد؟

وضع پسته در ایران

مجموع سطح زیر کشت پسته نهال و بارور در ۲۲ استان کشور در سال ۱۳۸۰ با ۲/۳۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۷۹ برابر ۳۸۸ هزار هکتار برآورد شده است. ۷۲ درصد درختان پسته کشور بارور و ۳۸ درصد باقی مانده به صورت نهال است. میزان تولید پسته کشورمان در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۱۲

هزار تن بوده که نسبت به سال های گذشته حدود ۱۷۰ درصد کاهش داشته است. خشکسالی های مداوم به ویژه در استان کرمان یکی از عوامل مهم این کاهش به شمار می رود. دلایل مربوط به کاهش تولید کشور در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال های گذشته، عواملی است که عملکرد آن را کاهش داده است. در ۱۰ سال اخیر، میزان عملکرد در واحد کشور به دلایل مختلفی نظیر خشکسالی های پی در پی و گرمای زودرس بهاری و ریزش جوانه ها به سطح ۹۰۰-۸۰۰ کیلوگرم در هکتار کاهش یافته است. به عنوان مثال، متوسط عملکرد پسته ایران در سال ۱۳۸۰ حدود ۴۶۰ کیلوگرم گزارش شد که در مقایسه با عملکرد کشورهای دیگر (۱/۵۲ تن در هکتار) رقم بسیار پایینی است. بیشترین میزان عملکرد کشور در سال ۱۳۸۰ به ترتیب مربوط به استان های تهران (۲/۵۷ تن در هکتار)، سمنان (۱/۸ تن در هکتار) و هرمزگان (۱/۵ تن در هکتار) و کمترین آن مربوط به استان گیلان (۰/۱ تن در هکتار) بوده است. این آمارها نشان می دهد که عملکرد پسته در ایران پایین است؛ مهمترین دلایل آن را می توان چنین برشمرد:

۱. افت سطح سفره های آب های زیرزمینی به ویژه در استان کرمان که بالاترین سطح زیر کشت را دارد؛

۲. عدم رعایت اصول فنی در احداث باغات، تراکم کاشت و تناوب درختان نر و ماده؛

۳. کمبود و یا نبود ماشین آلات مکانیزه باغی جهت انجام عملیات لازم؛

۴. عدم رعایت اصول صحیح تغذیه در باغات پسته؛

۵. مخلوط بودن ارقام (زودرس، میان رس و دیررس) و وارپته های مختلف پسته در باغات؛

۶. عدم رعایت نکات فنی و بهداشتی در مراحل کاشت، داشت و برداشت و حمل و نقل؛ و

۷. توسعه بی رویه باغات پسته در زمین های نامرغوب.

وضع پسته در جهان

در سال ۲۰۰۱ سطح زیر کشت پسته جهان ۴۳۴ هزار هکتار گزارش شده است. در سال های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ سطح زیر کشت پسته جهان با میزان رشد چهار درصد، روندی صعودی داشته است. در بین کشورهای مهم تولید کننده پسته، ایران با دارا بودن مساحتی معادل ۲۶۰ هزار هکتار از درختان بارور به تنهایی در حدود ۶۰ درصد از کل اراضی زیر کشت پسته بارور جهان را به خود اختصاص داده است.

مقدار تولید پسته در جهان در سال ۲۰۰۱، ۴۴ درصد کاهش نسبت به سال قبل در حدود ۳۲۱ هزار تن بوده است. متوسط تولید پسته در جهان طی سال های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ برابر ۳۷۸ هزار تن اعلام شده است. در مقابل تولید ایران در همان دوره ۲۰۴ هزار تن بوده است. در سال ۲۰۰۱ چهار کشور مهم تولید کننده، ایران، ایالات متحده، ترکیه و سوریه، در مجموع، حدود ۸۸ درصد کل تولید جهانی پسته را به خود اختصاص داده اند. با توجه به اینکه میانگین میزان رشد تولید ایران نسبت به جهان کمتر است، در صورت ادامه چنین روندی، می توان پیش بینی کرد که بعد از گذشت حدود ۱۲ سال، میزان تولید ایالات متحده با ایران برابر خواهد شد و سرانجام از آن پیشی خواهد گرفت. در سال های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ میانگین دوره ای عملکرد پسته در ایران با

قرار می‌گیرد تا یک واحد از خارجی به دست آید، یا در یک واحد از خارجی صرفه جویی شود» (ویز ۱۹۸۸ ص ۱۸۶). براساس این تعریف، فرمول محاسباتی «دی.آر.سی» به صورت زیر است:

$$DRC = \frac{\sum_{j=1}^n a_j V_j}{P_i \sum_{j=1}^n a_j P_j} \quad n \text{ تا } j = k+1, a_{ij} \quad (1)$$

ضرایب فنی منابع داخلی و داده‌های غیر قابل تجارت است. V_j قیمت‌های سایه‌ای منابع داخلی و داده‌های غیر قابل تجارت است که برای برآورد هزینه‌های فرصت تولید داخلی ضروری است. P_j^F قیمت‌های مرزی تولید مبادله شده است؛ a_{ij} (از یک تا k) ضرایب فنی داده‌های مبادله شده و P_j^F قیمت‌های مرزی داده‌های مبادله شده است.

اگر مقدار «دی.آر.سی» مقایسه‌ای کوچکتر از یک باشد، برای محصول مورد نظر مزیت نسبی داریم و اگر بزرگتر از یک باشد در تولید آن محصول مزیت نسبی نداریم، در واقع عدد یک نقطه مرزی است.

میزان رشد ۵/۷ درصد کاهش پیدا کرده است. ملاحظه می‌شود که برای جلوگیری از بروز شرایطی که موجب از دست دادن موقعیت غالب و انحصاری آن در عرصه تجارت جهانی پسته شود، توجه بیش از پیش به مساله میزان عملکرد و افزایش آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. متوسط عملکرد پسته جهان در سال ۲۰۰۱ برابر ۷۴۰ کیلوگرم در هکتار بوده است. در بین کشورهای مهم تولیدکننده پسته در جهان بیشترین عملکرد مربوط به ایالات متحده (۲۸۷۴ کیلوگرم) است. این در حالی است که در همین سال، عملکرد ایران در تولید پسته (۴۶۱ کیلوگرم در هکتار) تنها ۲۶/۳ درصد متوسط عملکرد جهانی بوده است.

بررسی مزیت نسبی ایران در تولید پسته

برای بررسی مزیت نسبی پسته در این بخش از روش هزینه منابع داخلی «دی.آر.سی»^(۱) و داده‌های سال ۱۳۷۸ استفاده شده است. طبق تعریف مایکل برنوو،^(۲) روش هزینه منابع داخلی عبارت است از: «مقدار هزینه منابع داخلی که در یک فعالیت تولیدی مورد استفاده

جدول (۱) - درآمد - هزینه تولید یک تن پسته به قیمت‌های واقعی و سایه‌ای ۱۳۷۸

نوع نهاد	نام نهاد	واحد	داده - ستانده	قیمت واقعی (هر واحد ریال)	درآمد - هزینه به قیمت واقعی (ریال)	قیمت سایه‌ای (ریال)	درآمد - هزینه به قیمت سایه‌ای (ریال)
قابل تجارت	کودشیمیایی	کیلوگرم	۴۱۹/۰۴	۲۳۰	۱۸۰۱۸۷/۲	۱۰۲۳/۸	۴۲۹۰۵۱/۳
	سم‌های دفع آفات	لیتر	۱۵/۷۵	۲۵۱۰۰	۳۹۵۳۲۵	۴۰۴۱۶/۷	۶۳۶۵۶۳/۸۱
غیر قابل تجارت	آب	مترمکعب	۱۲۷۲۹	۱۳۴/۰۲	۱۷۰۵۹۹۴/۲	۳۲۴/۱	۴۱۲۵۵۹۸/۵
	کود حیوانی	تن	۲۱/۹۹	۱۱۷۴۷۵/۲	۲۵۸۳۲۷۹/۶	۱۱۷۴۷۵/۲	۲۵۸۳۲۷۹/۶
	نیروی کار	روز-نفر	۸۰	۱۷۱۷۲	۱۳۷۳۳۷۶۰	۳۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰
	ماشین‌آلات	ساعت کار	۳۳/۹۷	۱۶۹۲۷/۵	۵۷۵۰۲۷/۲	۱۸۰۰۰	۶۱۱۴۶۰
	زمین	هکتار	۱/۳۷	۵۹۶۵۳۷/۸	۸۱۷۲۵۶/۸	۶۸۰۰۰۰	۹۳۱۶۰۰
هزینه کل	بدون زمین	ریال			۱۹۱۷۳۵۷۳/۲		۱۰۷۸۵۹۵۳/۲۱
	با زمین	ریال			۱۹۹۹۰۸۳۰		۱۱۷۱۷۵۵۳/۲۱
سود	بدون زمین	ریال			۷۶۲۳۴۱۶/۸		۶۴۵۸۵۲۶/۷۹
	با زمین	ریال			۶۸۰۶۱۷۰		۵۵۲۶۹۲۶/۷۹

ماخذ: سلیمی فر، مصطفی و صدیقه میرزایی خلیل آبادی، «مزیت نسبی ایران در تولید و صادرات پسته، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۱».

جدول (۲) - مزیت نسبی محصول پسته ایران با استفاده از شاخص «آر.سی.ای»

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص «آر.سی.ای»	۱۴۵/۵۴	۱۱۷/۶۱	۱۸۵/۵۵	۱۵۵/۸۲	۱۲۶/۱۹	۲۶۶/۷	۱۲۸/۰۱

ماخذ: همان.

ارز بدست می‌آید. برای محاسبه نرخ سایه‌ای ارز از روش برابری نسبی قدرت خرید به صورت زیر سود جسته‌ایم:

$$PPP - PI / PI^* \cdot E \quad (2)$$

PI = شاخص خرده فروشی قیمت‌ها در داخل کشور، PI^* = میانگین شاخص خرده فروشی قیمت‌ها در کشورهای مهم طرف تجاری ایران در سال ۱۳۷۸ و E = نرخ ارز رسمی تعدیل شده بر پایه سال ۱۹۹۵ (سال پایه در نظر گرفته شده از طرف صندوق بین‌المللی پول). کلیه قیمت‌های سایه‌ای محاسبه شده مورد نیاز در جدول (۱) آمده است. قیمت سایه‌ای محصول نیز که قیمت فوب پسته صادراتی است در نرخ سایه‌ای ارز ضرب شده است. به منظور محاسبه مزیت نسبی از شاخص «دی.آر.سی» فرمول زیر بکار گرفته شده است:

$$DRC = G_i / E_i - F_i \quad (3)$$

G_i = هزینه نهادهای داخلی به قیمت‌های سایه‌ای، E_i = درآمد کل به قیمت‌های سایه‌ای، F_i = هزینه نهاده‌های قابل تجارت به قیمت‌های سایه‌ای.

$$DRC = ۱۰۶۵۱۹۳۷/۱ / (۱۶۸۱۲۸۰۰ - ۱۰۶۵۶۱۵/۱۱) = -۰/۶۷۶$$

با توجه به محاسبات بالا «دی.آر.سی.» کوچکتر از یک بوده و بنابراین کشور در سال ۱۳۷۸ در تولید پسته مزیت نسبی داشته است.

بررسی مزیت نسبی ایران در صادرات پسته

بر اساس آمارهای فائو، ایران بزرگترین صادر کننده پسته است و این موقعیت را هنوز هم حفظ کرده است. محاسبه شاخص نسبت‌های تمرکز «سی.آر.» نیز مبین این است که ایران همواره بالاترین سهم را در تولید و صادرات جهانی پسته داشته، اما این سهم پیوسته در حال کاهش بوده است. بروز برخی مشکلات در سال‌های اخیر (از قبیل ظهور رقیبان جدید، بحث آلودگی پسته ایران به سم آفلا توکسین) بررسی فرضیه موجود مزیت نسبی در صادرات پسته را ضروری می‌نماید. برای این منظور از شاخص مزیت نسبی آشکار «آر.سی.ای» استفاده شده است. این شاخص نشان دهنده نسبت ساختار کالایی صادرات یک کشور به ساختار کالایی صادرات جهانی است و به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$RCA = (X_{ij} / X_{iW}) / (X_{iW} / X_{iW}) \quad (4)$$

X_{ij} = صادرات پسته ایران، X_{iW} = کل صادرات ایران، X_{iW} = صادرات پسته جهان، X_{iW} = کل صادرات جهان. در رابطه بالا، صورت کسر نشان دهنده ساختار کالایی صادرات ایران و مخرج کسر نشان دهنده ساختار کالایی بازار جهانی در مورد پسته است که نتایج محاسبات برای سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ در جدول (۲) آمده است.

اگر «آر.سی.ای» بزرگتر از یک باشد نشانه وجود مزیت نسبی است و اگر کوچکتر از یک باشد نشانه نبود مزیت نسبی است، از این رو با توجه به جدول (۲) می‌توان گفت ایران در صادرات پسته مزیت نسبی دارد. اما بررسی بازارهای صادراتی ایران نشان می‌دهد که کشور به لحاظ ساختار بازار صادراتی پسته در وضع چندان مناسبی قرار ندارد. به عنوان مثال، بر اساس شاخص نسبت‌های تمرکز «سی.آر.» سهم بالایی (حدود ۶۰٪) از بازار صادراتی پسته ایران تنها در اختیار چند وارد کننده مهم بوده است، از این رو صادرات پسته ایران آسیب پذیری زیادی دارد. علاوه بر این، ایران با تولید بیش از ۲۰۰ هزار تن پسته در سال و با وجود برخورداری از مزیت نسبی در تولید و صادرات این محصول، هنوز نتوانسته است در



محاسبه شاخص «دی.آر.سی» برای تولید پسته

برای محاسبه شاخص هزینه منابع داخلی از رابطه (۱) استفاده شده است. نهاده‌های بکار رفته در تولید پسته عبارت است از: آب، زمین، کود، ماشین آلات کشاورزی و سم‌های دفع آفات که بخشی از این نهاده‌ها داخلی و گروهی دیگر وارداتی هستند. از آنجا که قیمت‌های موجود در بازار نمی‌تواند معرف هزینه‌ها و سودآوری طرح‌های سرمایه‌گذاری باشد، از قیمت‌های سایه‌ای استفاده شده است. همان طور که گفته شد، نهاده‌های مورد نیاز شامل دو گروه داخلی و وارداتی می‌شود که قیمت‌های سایه‌ای این دو گروه متفاوت است. در این جا برای محاسبه قیمت سایه‌ای نهاده‌های داخلی از روش به دست آوردن هزینه فرصت یا هزینه صرف شده برای نهاده در بهترین موقعیت بکارگیری و یا بالاترین هزینه صرف شده برای نهاده در جریان تولید، استفاده شده است.

محاسبه قیمت‌های سایه‌ای از روش هزینه فرصت نهاده

به منظور بدست آوردن هزینه فرصت نهاده، موقعیتی که برای بکارگیری نهاده بالاترین هزینه پرداخت شده است، یا موقعیتی که نهاده به علت شرکت در تولید، بالاترین دریافتی را داشته است در نظر گرفته می‌شود. این هزینه معادل قیمت سایه‌ای نهاده است. برای محاسبه قیمت سایه‌ای نهاده‌های وارداتی (کود شیمیایی و سم‌های دفع آفات) از قیمت سیف نهاده (با مراجعه به آمار بازرگانی) استفاده شده است. قیمت سایه‌ای نهاده‌های مذکور از حاصل ضرب قیمت سیف در نرخ سایه‌ای

سیاست‌گذاری‌های قیمتی بازار جهانی پسته نقش موثری ایفا کند. به نظر می‌رسد این امر نشان‌دهنده میزان شناخت کم ما از بازار مصرف در خارج از مرزهای کشور است. به عبارت دیگر کشور از مدیریت بازاریابی پیشرفته و کارآمد بهره‌چندانی نداشته است.

مشکلات تولید و صادرات پسته در ایران

با وجود آنکه ایران براساس شاخص‌های «دی.آر.سی» و «آر.سی.ای» تولید و صادرات پسته همچنان از مزیت نسبی برخوردار است، ولی جایگاه پایین کشور از جهت عملکرد در هکتار و نیز ظهور رقبای توانمند در بازار جهانی پسته، آینده موقعیت کشور را در این بازار با تهدید جدی مواجه ساخته است.

از جمله مشکلاتی که در برخی سال‌ها در تولید پسته ایران به وجود آمده و تاثیر زیادی بر صادرات این محصول گذاشته پیدایش سم «آفلاتوکسین» بوده است. گرچه مناطق پسته خیز کشور در نواحی خشک و نیمه بیابانی واقع شده است که احتمال آلوده شدن پسته بر روی درخت در این مناطق بسیار ضعیف است، ولی اگر دوره برداشت محصول طولانی شود یا در معرض بارندگی‌های پاییزی قرار گیرد و یا از روش‌های نامناسب خشک کردن استفاده شود، احتمال آلودگی به سم مذکور افزایش می‌یابد.

این مطالعه نشان داد که ایران همچنان در تولید و صادرات پسته دارای مزیت نسبی است. در نتیجه پسته ایران قابل رقابت با پسته خارجی است با این حال چه در بخش تولید و چه در بخش صادرات مشکلاتی وجود دارد که بر میزان عملکرد در هکتار این محصول و نیز سهم ایران در بازار جهانی تاثیر منفی داشته است. به نظر می‌رسد به منظور افزایش میزان عملکرد باید در زمینه اصلاح و بهبود روش‌های آبیاری، استفاده از سم‌ها و کودهای شیمیایی و فرآوری درختان پسته اقدامات لازم را به عمل آورد. همچنین با رفع مشکلات مربوط به تولید و صادرات می‌توان بر قدرت رقابتی این محصول افزود.

چهار عنصر اصلی رقابت پذیری از دیدگاه پورتر

چگونه یک کشور می‌تواند محیطی را فراهم آورد که بنگاه‌های اقتصادی، صادراتی آن کشور چه در بخش صنایع و کشاورزی و چه در بخش خدمات با شرکت‌های دیگر که در صحنه رقابت بین‌المللی فعال اند و با بهبود کالاها و استفاده از مهارت نیروی کار با درآمد بالا و بازده بالا برای سرمایه‌گذاری‌های خود می‌سازند، رقابت نمایند؟ کشور مذکور باید روی بنگاه‌ها و صنایع پر استعداد کار کند، به هر حال در دنیای امروز مشتری محوری حرف اول را می‌زند و امکانات اجازه نمی‌دهد از تمامی صنایع برای رقابت پذیری حمایت کرد.

پورتر محیط لازم برای موفقیت قدرت رقابتی کشورها را در چهار دسته طبقه بندی کرده است:

۱. شرایط عواملی

۲. شرایط تقاضایی

۳. صنایع مرتبط و حامی

۴. استراتژی بنگاه

بسته به شرایط عمومی در هر کشور اهمیت هر کدام از این عوامل چهار گانه و نسبت تعاملی آن‌ها با یکدیگر تفاوت می‌نماید.

تحلیل رقابت پذیری در صنایع محصولات کشاورزی

رید و مرچنت صنایع غذایی ایالات متحده را از زاویه رقابت پذیری بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که صنایع غذایی آن کشور کمترین درصد تولیدات را در قسمت صادرات به خود اختصاص داده است (۵/۴ درصد). دو محقق دیگر به نام‌های ابوت و بردمل محصولات کشاورزی را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند و آنگاه به تحلیل رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی پرداخته‌اند. آن چهار دسته عبارت‌اند از:

تولید محصولات اولیه نامتفاوت، تولید اولیه محصولات متفاوت، تبدیل مواد و محصولات فرآوری شده به تولیدات آماده به مصرف. آن‌ها بحث می‌کنند که از نظر تاریخی آمریکا هم و غم خود را بر روی محصولات اولیه نامتفاوت متمرکز نموده است.

حوزه‌های تعیین کننده رقابت پذیری کشورها عبارت‌اند از:

۱. عوامل خدادادی و منابع طبیعی: مزیت ناشی از عوامل طبیعی برای محصولات کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا خاک، آب و هوا و سایر شرایط طبیعی تعیین کننده آن هستند که تولید آن محصول کجا با موفقیت قابل کشت است.

۲. فناوری: مزیت خاص هر کشور با کم و کیف فناوری در آن کشور تعیین می‌شود، چرا که مبنای اساسی مزیت رقابتی کشور را فناوری شکل می‌دهد. تغییرات فنی در کشورها یا موجب کاهش هزینه تمام شده محصولات می‌شوند و یا به بهبود کیفیت محصولات کمک می‌نمایند.

۳. سرمایه‌گذاری: ابزاری که با آن تغییرات فنی و تکامل صنعتی صورت می‌پذیرد، ساختار بازارها و عوامل فنی، راهبردهای سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

۴. سرمایه انسانی: منابع انسانی از عوامل حیاتی رقابت پذیری برای یک محصول خاص یا یک بخش خاص در اقتصاد بشمار می‌رود. امروزه تعداد بنگاه‌هایی که واقعاً نیازمند نیروی کار نیمه ماهر هستند، اندک‌اند. بنابراین، سطح مهارت و آموزش نیروی انسانی به کار رفته در کشاورزی کشورها برای تعیین قدرت رقابتی عاملی حیاتی است.

۵. تجربه مدیریتی: مطالعات موردی نشان دهنده آن است که علت شکست‌های زیاد شرکت‌ها در امر رقابت به خاطر اشتباهات مدیران آن‌هاست.

۶. ویژگی‌های محصولات: ذائقه و ترجیحات مردم یک ملت با سایر ملت‌ها متفاوت است. عوامل غیر قیمتی، چون شهرت، مارک کالا و خدمات پس از فروش برای مصرف کننده نیز از اهمیت برخوردار است.

۷. راهبرد بنگاه (مزرعه) و ساختار صنعت: راهبردهای متعددی برای موفقیت یک بنگاه در میدان رقابت وجود دارد یکی از آن‌ها رهبریت هزینه‌هاست.

۸. سیاست تجاری: سیاست تجاری از عوامل مهم تعیین کننده فضای داخلی و خارجی بنگاه برای رقابت به حساب می‌آید. در کشاورزی مجموعه سیاست‌های داخلی و اهداف بخش محیطی فراهم می‌کند که بنگاه‌ها (مزرعه) در آن به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و خود را برای حضور در صحنه بین‌المللی توانمند می‌کنند.

رقابت پذیری محصولات کشاورزی در ایران

همانطور که قبلاً گفته شد یک معیار از کارایی که می‌تواند راهنمای خوبی برای رقابت پذیری باشد بهره‌وری است، همچنین سیاست‌هایی که دولت اتخاذ می‌کند در ایجاد رقابت پذیری سهم به سزایی دارد. در اینجا به طور مختصر این دو مساله را برای رقابت‌پذیری در ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بهره‌وری

شناخت سمت و سوی رشد بهره‌وری در بخش کشاورزی ایران چه از لحاظ داشتن زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی و چه از لحاظ رقابت شدید در صحنه جهانی برای کسب موقعیت اقتصادی بهتر، به ما کمک می‌کند، منابع و امکانات تولیدی خود را به سمتی سوق دهیم که بتوانیم سریع‌تر جایگاه مناسب خود را در مناسبات بین‌المللی بدست آوریم. منظور از بخش کشاورزی در این تحقیق، زراعت و باغداری، دامپروری و شکار، شیلات و ماهیگیری و جنگلداری است. با نگاهی به آمارها، بررسی عملکرد و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران می‌توان گفت که در بخش کشاورزی مشکلات و معضلاتی وجود دارد که بخش خصوصی بدون حضور و حمایت بخش دولتی توانایی لازم برای حل آن‌ها را ندارد. چون از یک طرف بخش کشاورزی نیاز به رشد و پیشرفت همه جانبه دارد، که این امر مستلزم تحقیقات بیشتر و بکارگیری روش‌های جدید در استفاده از نهاده‌ها در تولید است، و از طرف دیگر چون در کشاورزی ایران میزان (نرخ) بازده داخلی سرمایه‌گذاری و در حقیقت میزان (نرخ) بازگشت سرمایه پایین است، بنابراین جاذبه و انگیزه زیادی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن وجود ندارد. از این رو حضور و دخالت دولت در بخش کشاورزی الزامی است؛ بدین معنا که واگذاری این بخش به بخش خصوصی، با توجه به نتایج مذکور، تاثیر منفی در رشد اقتصادی این بخش دارد.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، نیروی کار و بالا بردن بهره‌وری آن در بخش است. در یک جمع بندی می‌توان گفت که تعداد نیروی کار در بخش بالا و بهره‌وری آن پایین است. پیشنهاد می‌شود که با سیاست‌های مناسبی همچون حمایت از قیمت محصولات کشاورزی و پایین آوردن هزینه‌های تولید، جاذبه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در بخش فراهم آید.

همچنین یکی از دلایل پایین بودن بهره‌وری، پایین بودن سطح آگاهی کشاورزان و افراد مرتبط با کشاورزی نسبت به روش‌های جدید کشاورزی است.

بررسی نقش دولت در ایجاد رقابت پذیری در ایران

به طور کلی هر چه شاخص‌های اقتصاد کلان در کشورها بهتر باشد، آن کشور از قدرت رقابت پذیری بالاتری برخوردار خواهد بود و در پی آن قدرت رقابت پذیری بیشتر به بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان کمک خواهد کرد. تامین شرایط خوب اقتصاد کلان برای کشورهای در حال توسعه که سعی در افزایش قدرت رقابت پذیریشان دارند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع بهبود شرایط اقتصاد ملی موجب ایجاد انگیزه در فعالیت بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد که نتیجه طبیعی آن افزایش توان رقابتی کشور می‌باشد.

۱. تورم

تورم یکی از مهمترین و مخرب‌ترین عوامل موثر بر اقتصاد ملی و قدرت رقابت پذیری است. اصولاً کشورهای در حال توسعه به واسطه ضعف‌های ساختاری که دارند بیشتر با پدیده تورم رو به رو هستند و از آن جهت، متحمل زیان‌های زیادی می‌شوند. تورم در کشور پیامدهایی نظیر افزایش نابرابری در توزیع درآمد، انتقال درآمد از پس‌اندازکنندگان به وام‌گیرندگان، افزایش ریسک و ایجاد عدم اطمینان، رانت خواری و... دارد.

هر چه اقتصاد داخلی رقابتی‌تر باشد شرکت‌های موجود می‌توانند با رقابت و تولید بیشتر در بازار خارجی بهتر عمل کنند و به تبع آن، کشور مسیر رشد و ترقی را سریع‌تر طی خواهد کرد. براساس مطالعات «موسسه مدیریتی توسعه» در خصوص طبقه بندی کشورها از لحاظ رقابت پذیری ارتباط مهمی میان سطح استاندارد زندگی، بهره‌وری و میزان رقابت پذیری وجود دارد. کشورهایی که از قدرت رقابت پذیری بالاتری برخوردارند از لحاظ بهره‌وری و استاندارد زندگی نیز وضع مطلوب‌تری دارند. با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران، به نظر می‌رسد سطح استاندارد زندگی شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری توان رقابت پذیری کشور ما نباشد. علت این مساله بالا بودن سهم و جایگاه درآمد نفت در اقتصاد ملی است. به عبارت دیگر سطح رفاه جامعه به میزان زیادی وابسته به درآمدهای نفتی است. یعنی با افزایش درآمد حاصل از فروش نفت و تزریق آن به جامعه، سطح استاندارد زندگی بالا می‌رود و در زمان کاهش درآمدهای نفتی توان اقتصادی دولت و استانداردهای زندگی مردم کاهش می‌یابد.

شاهد این ادعا بالا رفتن سطح زندگی مردم بعد از ضربه نفتی ۱۹۷۳ یعنی در طی برنامه پنجم قبل از انقلاب است. به نظر می‌رسد سطح استاندارد زندگی در ایران وابستگی چندانی به فعالیت‌های تولیدی (صنعتی - کشاورزی) ندارد و بنابراین این معیار نمی‌تواند شاخصی برای رقابت پذیری کشور، در صحنه جهانی باشد. در نتیجه عامل بهره‌وری را به عنوان مهمترین عامل موثر بر رقابت پذیری در اقتصاد داخلی در نظر می‌گیریم و سعی می‌کنیم بهره‌وری بخش غیر نفتی (کشاورزی) اقتصاد کشور را مورد ارزیابی قرار دهیم.

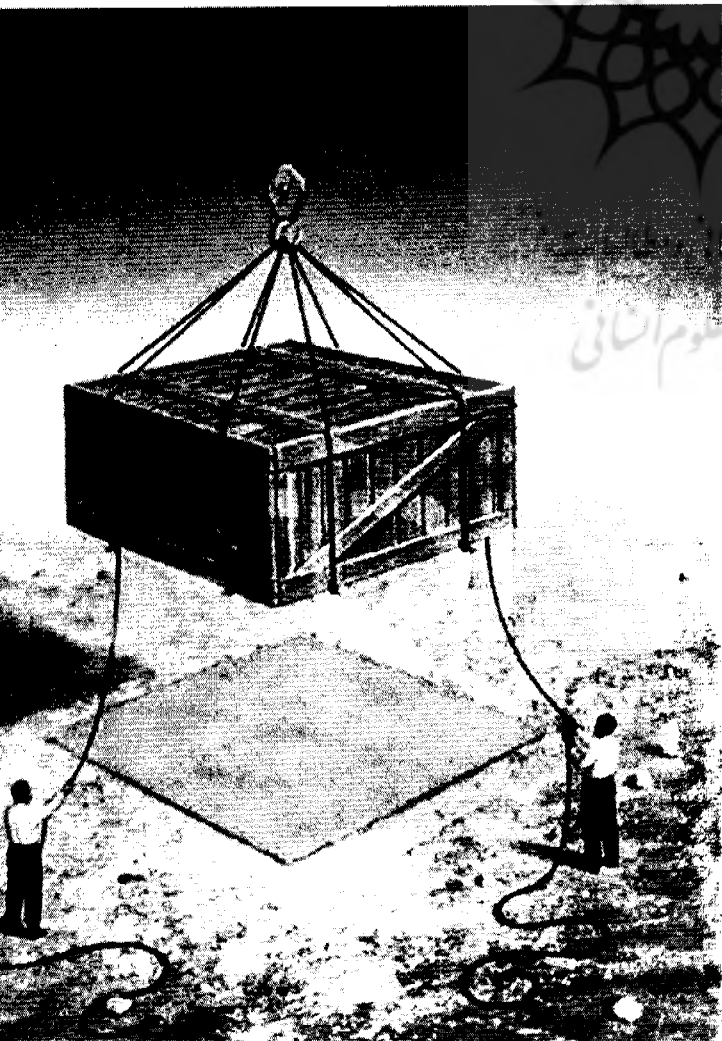
همواره در طول تاریخ تلاش‌های اقتصادی انسان بر آن بوده است که حداکثر نتیجه را با استفاده از کمترین امکانات و عوامل موجود بدست آورد. این تمایل را می‌توان دستیابی به بهره‌برداری بالاتر نامید. از سوی دیگر امروزه با کم‌رنگ‌تر شدن مرزهای اقتصادی، تلاش برای بهبود بهره‌وری پایه اصلی رقابت در صحنه جهانی تبدیل شده است. دلیل مهم تولید در قسمت‌های زیر منحنی امکانات تولید در کشورهای در حال توسعه آن است که اساساً میزان کارایی در بخش‌های مختلف تولیدی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها بسیار پایین است. بنابراین از طریق افزایش سطح بهره‌وری می‌توان کارایی بخش‌ها را افزایش داد و از این طریق میزان فعالیت‌های تولیدی و رشد تولید محصولات را ارتقاء بخشید.

به منظور افزایش بهره‌وری در اقتصاد ایران باید به بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم فعالیت‌های اقتصادی در کشور توجه خاص کرد، زیرا افزایش رشد بهره‌وری در این بخش با توجه به ساختار ویژه اقتصادی کشور می‌تواند ما را در جهت دستیابی به هدف‌های اقتصادی یاری کند.

پذیری یعنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی یا حفظ و یا ارتقای سطح درآمد شهروندان در دراز مدت. یکی از مهمترین عوامل ایجاد رقابت‌پذیری را بهره‌وری معرفی کردیم. با توجه به پایین بودن بهره‌وری در کشاورزی ایران و ناتوانی بخش خصوصی در حل مشکلات این بخش لذا حضور بخش دولتی الزامی است. بنابراین دولت باید با افزایش بهره‌وری و میزان سرمایه‌گذاری در این بخش در رفع معضلات مربوط به بخش خصوصی برای توانمندسازی محصولات مزرعه در سطح جهانی اقدام نماید. از دیگر سیاست‌گذاری‌هایی که دولت باید در ایجاد رقابت‌پذیری به کار گیرد: ایجاد محیط دوستانه در کسب و کار، برقراری بازار و قانون کار منعطف، ایجاد زمینه رقابت سالم از طریق حذف انحصارها، ایجاد دموکراسی و آزادی‌های سیاسی است. از جمله عوامل دیگری که باید بدان توجه داشت، داشتن فناوری کاهش دهنده هزینه و کسب مهارت‌ها در بکارگیری فناوری‌های جدید تولید است. همچنین پرداختن به موضوعاتی اعم از سرمایه‌انسانی و تخصص‌مدیریتی و فناوری ارتقاء دهنده کیفیت (به عنوان مهمترین عوامل غیر قیمتی رقابت‌پذیری) توجه به درجه بندی و استانداردهای محصولات، راهبرد هزینه‌ها، کاهش فضای نظارتی و اعمال مقررات و سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی برای رشد بهره‌وری به عنوان منبع رقابت‌پذیری کشور و در یک کلمه تبدیل تهدیدها در بازار جهانی محصولات کشاورزی به فرصت‌ها از وظایف امروزه هر دولت خواستار حضور در صحنه پر رقابت بین‌المللی است.

پی‌نوشت‌ها:

* این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با همین نام است که در معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد فیروزکوه) انجام شده است.



علاوه بر پیامدهای فوق وجود تورم در کشور منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری نیز خواهد شد. وجود تورم در کشور در سطحی بالاتر از تورم جهانی منجر به افزایش قیمت محصولات صادراتی کشور (در صورت ثابت ماندن نرخ ارز و یا افزایش آن به میزان کمتر از نرخ تورم) می‌شود. با افزایش قیمت محصولات صادراتی به طور طبیعی قدرت رقابت‌پذیری آن محصولات در سطح بین‌المللی کاهش می‌یابد. به طور طبیعی هر چه سطح کشش قیمتی تقاضای خارجی برای محصولات صادراتی کشور بالاتر باشد با افزایش سطح قیمت‌ها، تقاضای آن‌ها به مقدار بیشتری کاهش خواهد یافت و به تبع آن قدرت رقابت‌پذیری کشور کاهش می‌یابد. با توجه به تورم بالا که یکی از واقعیت‌های اقتصاد ایران طی چند دهه گذشته بوده و بنا بر نظر محققین، تورم در کشور به صورت مزمن درآمده است. بنابراین، قدرت رقابت‌پذیری کشور به واسطه وجود تورم افزایش یافته به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. لذا یکی از وظایف خطیر سیاست‌گذاران اقتصادی کشور مهار تورم می‌باشد تا زمینه‌های لازم جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری گسترش پیدا کند.

۲-ارز

ارز یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که نحوه اداره آن اثرات مهمی بر ساختار اقتصادی کشور بر جای می‌گذارد. نکته مهم آن است که منبع عرضه ارز صادرات کشور است. البته اگر اقتصاد منهای نفت مد نظر باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اعمال سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز، نوسان‌های شدیدی در این بازار مشاهده شد که بانک مرکزی و شورای نظارت ارز را مجبور به اتخاذ تدابیر جدیدی برای تثبیت نرخ ارز کرد که این مساله اثر زیانباری بر سطح رقابت‌پذیری فعالیت‌های تولیدی گذاشت.

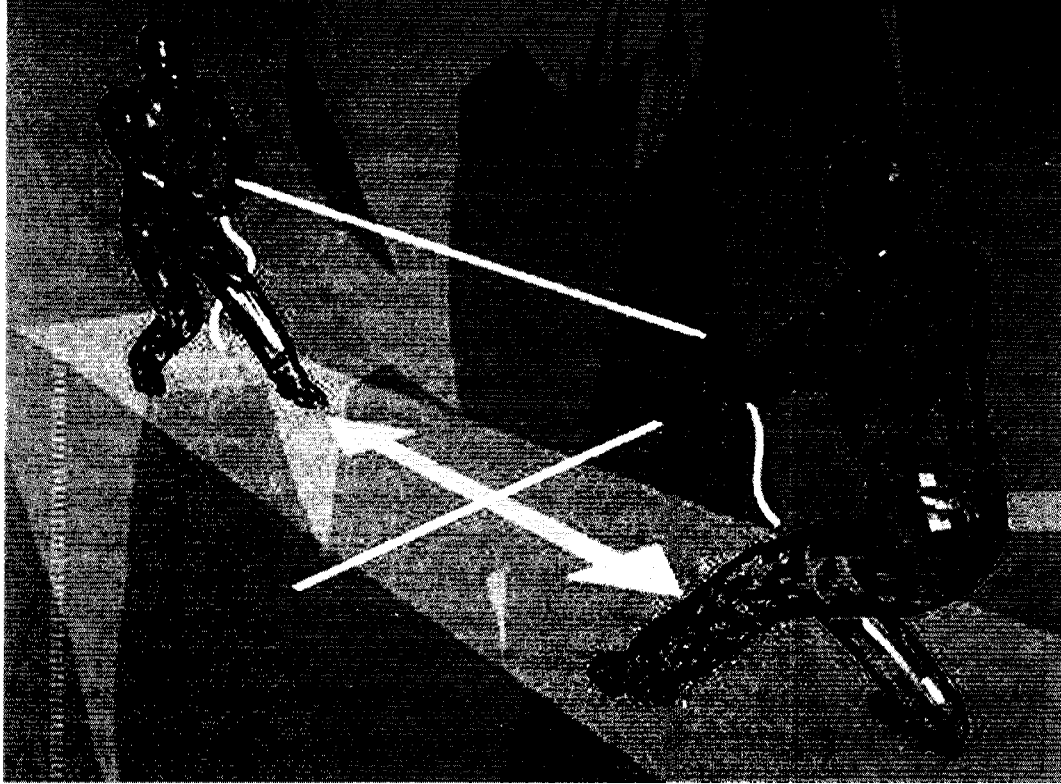
ثبات نرخ ارز و رقابت‌پذیری

ثابت نگه داشتن نرخ ارز، با توجه به شرایط تورمی موجود در کشور طی دو دهه گذشته باعث کاهش توان رقابتی محصولات داخلی در بازارهای بین‌المللی شده است. در واقع ارزان نگه داشتن نرخ ارز صادراتی باعث افزایش قیمت کالای صادراتی کشور شده و از این طریق قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها را در صحنه جهانی کاهش داده و بر عکس باعث ارزان شدن محصولات خارجی در بازار داخلی شده است. بنابراین ثابت نگه داشتن نرخ ارز طی چند دهه گذشته باعث کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات صادراتی کشور شده است. ارزان سازی واردات نیاز به اعمال محدودیت‌های تجاری را افزایش داده لذا اعمال محدودیت‌های شدید وارداتی در کشور خود نیز باعث تشدید کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد ایران شده است. به طور خلاصه و فهرست‌وار از جمله سیاست‌گذاری‌های دولت در ایجاد رقابت‌پذیری عبارت‌اند از:

- ۱. ایجاد محیط دوستانه در کسب و کار؛
- ۲. برقراری بازار و قانون کار منعطف؛
- ۳. ایجاد زمینه رقابت سالم از طریق حذف انحصارها؛ و
- ۴. ایجاد دموکراسی و آزادی‌های سیاسی.

جمع بندی

طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، رقابت



۹. دباغ، رحیم، بررسی آثار افزایش صادرات و سرمایه گذاری بخش های کشاورزی و صنعت بر روی توزیع درآمد مجدد آن در اقتصاد ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران، ۱۳۸۱.

۱۰. سلیمی فر، مصطفی؛ و صدیقه میرزایی خلیل آبادی، «همزیت نسبی ایران در تولید و صادرات بسته»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۱.
 ۱۱. قره باغبان، مرتضی و مسعود همایونی فر، «تحول فنی و رشد کشاورزی: آزمون فرضیه نوآوری القایی در کشاورزی ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.

۱۲. فتحی، یحیی، «تجزیه و تحلیل مزیت نسبی صادراتی گروه های مختلف صنایع غذایی ایران» اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸، ۱۳۸۱.
 ۱۳. موسسه مطالعات و پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، توسعه کشاورزی، ارائه شده در سمینار چالش ها و چشم انداز توسعه ایران (۱۵۱۲) اسفند (۱۳۸۱)، تهران.

۱۴. مهربانی بشرآبادی، حسین، «بررسی عوامل موثر بر سهم ایران از بازار جهانی بسته» اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۱.
 ۱۵. بانک مرکزی، حساب های ملی، سال های مختلف.
 ۱۶. گمرک، سالنامه امار بازرگانی، سال های مختلف.

17- Porter, Michael E., 1907, **The competitive Advantage of Nations: With A new Introduction**, Newyork Free - press 1998.

18- B. Blassa, "Export Policy choices and Economic Growth in Development countries After the 1973 Oil shocks", Journal of Development Economic, Vol 18, 1985.

19 - Leonardo A. Gonsales Etal., "Economic Incentives And Comprtative Advantage In Indonesion Food Crop Production", Research 93. International Food Policy Research Institute Washington D -C.

1. Domestic Cost Resources (DRC).

2. Michael Bruno

۳- قیمت سایه ای معادل هزینه از دست رفته منابع داخلی است. به عبارت دیگر، این قیمت معرف ارزش های واقعی و حقیقی عوامل تولید است.

منابع:

۱. بلالی، حمید و صادق خلیلیان، «تاثیر سرمایه گذاری بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۲.

۲. بهکیش؛ محمد مهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.

۳. بهکیش، محمد مهدی، «هزینه صنایع داخلی شاخصی برای اندازه گیری مزیت های اقتصادی و کاربرد آن در ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۶، ۱۳۷۹.

۴. یازنگیان، زهره، بررسی مزیت نسبی بخش کشاورزی با استفاده از مدل داده ستانده و برنامه ریزی خطی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهراء، آبان ۱۳۸۰.

۵. حاجی رحیمی، محمود و جواد ترکمانی، «بررسی نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصاد ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۲.

۶. حسینی، میر عبدالله، «ساختار بازار جهانی تولید و بازار صادراتی بسته ایران و تغییرات ساختمانی آن»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۶.

۷. خالدی، کوهسار، بسته، تنگناها و راهکارها، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۲.

۸. خلیلیان، صادق و مریم حفر اردستانی، «بررسی رابطه صادرات کالا های کشاورزی و رشد بخش کشاورزی در ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۷۹.